

# آنارشیست ها و جنگ در اوکراین از جهان وطنی تا «دفاع از ملت»

Anarchists and the war in Ukraine  
Between internationalism and the  
"defence of the nation"



International Communist Current

جریان کمونیست بین المللی

برگردان فارسی: صدای انترناسیونالیستی

صدای انترناسیونالیستی

E-mail: [contact@internationalistvoice.org](mailto:contact@internationalistvoice.org)

Homepage: [www.internationalistvoice.org](http://www.internationalistvoice.org)

تلهگرام: <https://t.me/intvoice>

ماهیت متنوع واکنش سازمان های آنارشیستی به کشتار امپریالیستی در اوکراین کاملاً قابل پیش بینی است. آنارشیسم همواره به مجموعه کاملی از گرایش های گوناگون تقسیم گردیده، کسانی که بخشی از جناح چپ سرمایه را تشکیل میدهند، مانند کسانی که در طول جنگ ۱۹۳۶-۱۹۳۹ در اسپانیا به دولت جمهوری خواه پیوستند تا کسانی که آشکارا از مواضع انترناسیونالیستی در برابر جنگ امپریالیستی دفاع کرده اند، همچون «اما گلدمن» در طول جنگ جهانی اول. در مورد جنگ اوکراین، واکنش آنارشیسم بسیار متفاوت است، در واقع از کسانی که آشکارا جزء جنگ افروزان هستند تا کسانی که فراخوان برای همبستگی بین المللی و اقدام متحد علیه جنگ می دهند، طیف گسترده ای را شامل میشود. ما به عنوان کمونیست های چپ، بوضوح مواضع آشکار چپ [سرمایه] و بورژوازی را که توسط آنارشیست های مختلف اتخاذ شده است را محکوم می کنیم، اما در عین حال از تلاش های گروه هایی مانند KRAS در روسیه [۱] (که بیانیه آنها را قبلاً در وب سایت خود منتشر کرده ایم)، ابتکار آنارکو سندیکالیست در صربستان [۲] و گروه کمونیست آنارشیست در بریتانیا [۳] که از موضع شفاف انترناسیونالیستی در وضعیت موجود مداخله کرده اند، حمایت می کنیم.

### از انترناسیونالیسم...

از ابتدای جنگ، گروه کمونیست آنارشیست (ACG) اساساً موضعی انترناسیونالیستی اتخاذ کرد (تیترا سایت گروه کمونیست آنارشیست در ۲۷ فوریه، "جانب طبقه کارگر را بگیرد، نه منافع رقیب امپریالیستی را" بود). در عین حال، این بیانیه حاوی تعدادی خواسته مغشوش و مبهم است مانند «انحلال ناتو» و «تصرف و اشغال گسترده اموال الیگارشی های روسی در بریتانیا و تبدیل فوری آنها به مسکن اجتماعی» است. (در مورد اموال الیگارشی های اوکراینی حرفی نیست؟) شما می توانید همین دیدگاه فوریت گرایانه را در بیانیه گروه ابتکار آنارکو سندیکالیستی در بلگراد را مشاهده کنید، کسانی که علیرغم داشتن دید روشن در باره ماهیت و معنای صلح در سیستم سرمایه داری، اعلام می کنند: **بیاید جنگ های سرمایه داری را به انقلاب کارگری تبدیل کنیم!** این فراخوان برای اقدام انقلابی با توجه به سطح پایین مبارزه طبقاتی امروز کاملاً غیر واقعی است. اما این سردرگمی ها اصول انترناسیونالیستی و واکنش این گروه ها به جنگ را تضعیف نمی کند.

قبلاً یک بیانیه مشترک بین المللی توسط هفده گروه در اطراف هماهنگی آنارشیسم (Anarkismo Coordination) از جمله گروه کمونیست آنارشیست در بیست و پنجم فوریه امضاء و منتشر شده بود که به صراحت بیان می کند «... وظیفه انقلابی و طبقاتی ما سازماندهی و تقویت جنبش انترناسیونالیستی، ضد جنگ و ضد امپریالیستی طبقه کارگر است. منطق امپریالیسم تهاجمی تر یا مترقی تر، منطقی است که به شکست طبقه کارگر می انجامد. هیچ راه امپریالیستی که طرفدار مردم باشد، وجود ندارد. منافع طبقه کارگر را نمی توان با منافع سرمایه داران و قدرت های امپریالیستی یکی دانست.» [۴] در سایت گروه کمونیست آنارشیست نیز گروه ها و نشریات آنارشیست مدافع ملی گرایی، مانند گروه آزادی در لندن، به شدت محکوم شده اند [۵].

## ... تا مواضع آشکارا بورژوازی

اما بیانیه های جریان های مختلف آنارشیستی را باید با دقت و نقادانه خواند. به عنوان مثال، بخش فرانسوی زبان فدراسیون بین المللی آنارشیست، در اعلامیه ای که در ۲۴ فوریه منتشر شد، اعلام کرد: « ما از سراسر جهان می خواهیم که علیه سرمایه داری، ناسیونالیسم و امپریالیسم و همچنین ارتشی که برای جنگ های جدید فشار می آورد، مبارزه کند.» [۶]

هم زمان ما می توانیم در همان فدراسیون بین المللی آنارشیست، آشکارا فراخوانی برای مشارکت در جنگ را ببینیم: فراخوانی برای حمایت از کمیته های مقاومت در اوکراین که برای «آزادی» کشور می جنگند. گروه های مختلف آنارشیست با پوشیدن لباسهای متحدالشکل به عنوان «جنگجویان آزادی» که اغلب با اشاره به ارتش سیاه ماخنو در طول جنگ داخلی در روسیه است، معرفی می شوند. بنابراین، امروز در محیط آنارشیستی یک «ناهمواری» آشکار وجود دارد: فراخوان هایی برای انترناسیونالیسم و در عین حال فراخوانی برای مشارکت در درگیری های رو به افزایش به عنوان کمک به نیروهای ارتش اوکراین تحت لوای کمیته های مقاومت. [۷] همچنین، آنارشیست های بلاروس ساکن در اوکراین در حال پیوستن به نیروهای دولت اوکراین هستند که خود نشانه دیگری از شکست و سرگردانی طبقه کارگر در این منطقه می باشد.

یکی دیگر از نمونه های کاملاً آشکار مواضع کاملاً بورژوازی، بیانیه آنارشیست های روسی به نام گروه آنارشیست مبارز است: «... آنچه اکنون در اوکراین اتفاق می افتد فراتر از یک فرمول ساده است، اصلی که هر آنارشیست باید در جنگ برای شکست کشور خود بجنگد.» (تاکید ما). آنها همچنین استدلال می کنند که «شکست روسیه در شرایط فعلی، احتمال بیدار شدن مردم این کشور را افزایش می دهد، همان چیزی که در سال ۱۹۰۵ رخ داد / زمانی که شکست نظامی روسیه از ژاپن منجر به قیام در روسیه شد، یا در سال ۱۹۱۷ / زمانی که مشکلات روسیه در جنگ جهانی اول منجر به انقلاب روسیه شد - چشمان آنها را به آنچه در این کشور می گذرد را باز کرد...»

در مورد اوکراین، پیروزی آن نیز راه را برای تقویت دموکراسی مردمی هموار خواهد کرد - در نهایت، اگر به دست آید، تنها از طریق خودسازماندهی مردمی، کمک متقابل و مقاومت جمعی اتفاق خواهد افتاد. اینها باید پاسخی به چالش هایی باشد که جنگ بر سر جامعه ایجاد می کند.» [۸]

در جنگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴ و متعاقب آن، انترناسیونالیست های سرشناسی مانند لنین از اصطلاح «شکست گرایی انقلابی» استفاده کردند تا اصرار کنند که مبارزه طبقاتی باید ادامه یابد، حتی اگر به معنای شکست نظامی کشور «خود» باشد، اما این امر با محکومیت آشکار هر دو اردوگاه رقیب همراه بود. در پیشگاه جناح چپ سرمایه، خواه خود را «لنینیست» یا آنارشیست بخواند، ندای شکست یک کشور همراه با حمایت از رقیب امپریالیستی آنها است، همانطور که آشکارا در مورد گروه مبارز آنارشیست صادق است. این نگرش هیچ وجه اشتراکی با انترناسیونالیسم پرولتری ندارد.

بخش‌های مهمی از آنارشیسم و آنارکو سندیکالیسم، همزمان با اشاره به سنت قوی ضد نظامی‌گری، بار دیگر حمایت خود را از جنگ ناسیونالیستی ابراز کرده‌اند - درست همانطور که همراه با سوسیال دموکراسی در آغاز جنگ جهانی اول همگام شده و در جنگ شرکت کردند. اما تفاوت آنها در این بود که بر خلاف سوسیال دموکرات‌ها که به اصول انترناسیونالیستی خود خیانت کردند، آنارشیست‌ها از منطق خاصی پیروی می‌کردند، همانطور که در مقاله خود در مورد «آنارشیسم و جنگ امپریالیستی» در سال ۲۰۰۹ اشاره کردیم:

"برخلاف [سوسیال دموکراتها]، صف آرایی کردن به جنگ امپریالیستی و بورژوازی در سال ۱۹۱۴ توسط اکثریت آنارشیست‌ها در سطح بین‌الملل، یک حرکت نادرست نبود، بلکه نتیجه منطقی آنارشیسم آنها بود که با مواضع سیاسی اساسی آنها مطابقت داشت.

بنابراین، در سال ۱۹۱۴، به نام استبداد ستیزی، زیرا غیرقابل تصور بود که اقتدار «یک کشور می‌تواند توسط کشور دیگر نقض شود» (نامه به جی. گریو)، همانطور که کروپوتکین موضع شونویستی خود را به نفع فرانسه توجیه میکرد. با استناد به انترناسیونالیسم و بر اساس «حق خودمختاری» و «حق مطلق هر فرد، هر انجمن، هر کمون، استان، منطقه، ملت برای تصمیم‌گیری برای خود، همراهی یا عدم همراهی و ارتباط با هر کسی که می‌خواهد و گسستن اتحادهای آنها» (دانیل گورین، آنارشیسم، گالیمار ص ۸۰) آنارشیست‌ها صرفاً منعکس‌کننده تقسیماتی بودند که سرمایه‌داری بر پرولتاریا تحمیل کرد. این موضع شونویستی ریشه در فدرالیسم دارد که پایه و اساس همه ایده‌های آنارشیستی است. آنارشیسم با این استدلال که ملت یک پدیده طبیعی است، از حق وجود همه ملت‌ها و توسعه آزادانه همه ملت‌ها دفاع میکند، آنارشیسم تنها خطر موجودیت ملت‌ها را در گرایش آنها به "ناسیونالیسم" القاء شده توسط طبقه مسلط برای جدا کردن مردم از یکدیگر می‌داند. طبیعتاً آنارشیسم در هر جنگ امپریالیستی به تمایز بین متجاوزان با تجاوز شده، ستمگران با ستم‌دیدگان و غیره تمایز قائل شده و در نتیجه دفاع آنارشیسم از ضعیف‌ترین‌ها و حقوقی که زیر پا گذاشته شده استوار است. در حالی که امتناع از جنگیدن بر زمینه‌ی به غیر از مواضع طبقاتی پرولتاریا، فضا را برای انواع آزادی عمل باز می‌گذارد تا توجیه‌گر حمایت از این یا آن جنگ طلب باقی بماند. به طور مشخص یعنی انتخاب یک اردوگاه امپریالیستی در برابر اردوگاه دیگر." [۹]

امروزه «خانواده» آنارشیست به دلیل تضاد اساسی بین انترناسیونالیسم و حمایت از جنگ امپریالیستی از هم پاشیده شده است. امروز، بیش از هر زمان دیگری، کمونیست چپ باید مسئولیت‌های خود را بر عهده بگیرد و به عنوان یک قطب مرجع و شفاف در برابر این همه سردرگمی عمل کند. برای کمونیست چپ، به عنوان بخشی از سنت مارکسیستی، انترناسیونالیسم پرولتاریا مبتنی بر آرمان‌های انتزاعی مانند آزادی افراد، مناطق یا ملت‌ها نیست، بلکه بر شرایط واقعی وجود پرولتاریا استوار است:

"انترناسیونالیسم مبتنی بر شرایط جهانی است که توسط سرمایه‌داری در سطح جهانی بر طبقه کارگر تحمیل شده است - بر اساس استثمار نیروی کار آن، در هر کشور و در هر قاره. به نام چنین انترناسیونالیسمی بود که انترناسیونال اول و دو انترناسیونال پس از آن متولد شدند. انترناسیونالیسم بر این واقعیت اساسی استوار است

که شرایط رهایی پرولتاریا بین المللی است: فراتر از مرزها و جبهه های نظامی، فراتر از خاستگاه های قومی و فرهنگ های خاص، پرولتاریا وحدت خود را در مبارزه مشترک علیه شرایط استثمار خود و برای الغای کار مزدی، برای کمونیسم می یابد." (منبع بالا).

ادوین

۳ خرداد ۱۴۰۱

منبع:

<https://en.internationalism.org/content/17185/between-internationalism-and-defence-nation>

توضیحات:

- [۱] KRAS وابسته به انجمن بین المللی کارگران آنارکو سندیکالیست است.  
<https://en.internationalism.org/content/17154/internationalist-statement-inside-russia>
- [۲] "بیاید جنگ های سرمایه داری را به انقلاب کارگری تبدیل کنیم" در سایت IWA:  
<https://iwa-ait.org/content/lets-turn-capitalist-wars-workers-revolution>
- [۳] "جانب طبقه کارگر، نه کشورهای رقیب امپریالیستی را بگیرید"، در سایت ACG:  
<https://www.anarchistcommunism.org/2022/02/27/take-the-side-of-the-working-class-not-competing-imperialist-states/>
- [۴] "علیه میلیتاریسم و جنگ - برای مبارزه خودسازمانده":  
<https://www.anarchistcommunism.org/2022/02/25/ukraine-international-statement/>
- [۵] "هویت، ملی گرایی و بیگانه هراسی در آزادی" در وبسایت ACG:  
<https://www.anarchistcommunism.org/2022/03/07/identity-nationalism-and-xenophobia-at-freedom/>
- [۶] "همبستگی بین المللی در برابر تهاجم روسیه! جنگ را متوقف کنید!":  
<https://i-f-a.org/wp-content/uploads/2022/02/fa-statement.pdf>
- مابقی این درخواست، انحراف ریاکارانه بین صلح طلبی و دفاع از اوکراین است.
- [۷] "آنارشیست های اوکراینی برای دفاع مسلحانه بسیج می شوند. با حمله روسیه همبستگی را از خارج جلب کنید."  
<https://www.militantwire.com/p/ukrainian-anarchists-mobilize-for?s=r>
- [۸] "آنارشیست های روسی در مورد تهاجم به اوکراین":  
<https://nl.crimethinc.com/2022/02/26/russian-anarchists-on-resisting-the-invasion-of-ukraine-updates-and-analysis>
- [۹] "آنارشیسم و جنگ امپریالیستی، قسمت اول: آنارشیست ها در مواجهه با جنگ جهانی اول":  
<https://en.internationalism.org/2009/wr/325/anarchism-war1>